

بررسی گزارش‌های ولادت امیرمؤمنان علیه السلام

در میراث حدیثی فریقین به همراه دیدگاه اندیشمندان

درآمد

امیرمؤمنان علی علیه السلام فضائل بی شماری دارد. برخی از این فضائل، از ویژگی‌های خاص آن حضرت به شمار می‌رود، به گونه‌ای که احدی را بهره‌ای از آن نیست. یکی از آن فضیلت‌های منحصر به فرد، ولادت در خانه خداوند: کعبه است. اما سوگمندان باید گفت این منقبت از سوی برخی اهل سنت انکار شده است. امتناع این دسته، بستر پژوهش پیش روی را فراهم آورد. آنچه در پی می‌آید کاوشی از مستندهای روایی این مسأله در منابع فریقین [شیعه و اهل تسنن] به همراه دیدگاه عده‌ای از عالمان این دو فرقه است.

بررسی گزارش‌ها

گزارش‌های ولادت امیرمؤمنان علی علیه السلام در کعبه، در ابواب مختلف از میراث علمی فریقین از جمله باب «مولد الإمام علی علیه السلام» نمایان گشته است. این گزارش‌ها سطح یکسانی ندارند؛ برخی از آن به اصل ولادت در کعبه نظر دارند؛ برخی نیز با وجود اختلاف در شرح تفصیلی ماجرا، به طور مشترک از ورود فاطمه بنت اسد سلام الله و صلواته علیها در خانه خدا و ولادت امیرمؤمنان علیه السلام در آن، سخن به میان آورده است. لازم به ذکر است عده‌ای از عالمان اسلامی در انعکاس گزارش‌های ولادت، ذکری از سلسله روایان آن ننموده اند. از همین رو، رویکرد پژوهش حاضر متوجه گزارش‌های مُسند واقعه گشته و از گزارش‌های فاقد سند، صرفاً به ذکر آن‌ها بدون هر گونه توضیح، بسنده می‌شود.

بر پایه بررسی‌های به جای آمده، گزارش‌های مُسند، دست‌کم با پنج طریق از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، امیر مؤمنان علیه السلام، عباس بن عبدالمطلب، یزید بن قعب و أم العارء بنت عبادء، در میراث فریقین بازتاب داشته است. این حجم

از روایات (صرف نظر از روایات فاقد سند) در اصطلاح دانش حدیث، مستفیض بوده که از اعتبار و ارزش مندی درخور توجهی برخوردار می‌باشد. البته از سخن حاکم نیشابوری، حدیث‌شناس برجسته اهل سنت و نیز حسن برخی عالمان امامی همچون مرحوم سید هاشم بحرانی به خوبی این نکته برمی‌آید که گزارش‌های ولادت امام علی علیه السلام در کعبه، از کثرت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و برترین اعتبار ممکن یک حدیث یعنی تواتر را داراست (متن کلام هر دو در ادامه خواهد آمد).

گزارش‌های مسند

یکم: طریق رسول خدا صلی الله علیه وآله

این گزارش را نخست سید بن طاووس از کتاب «مولد مولانا علی علیه السلام بالیث» تالیف شیخ صدوق رحمه الله و صاحب کتاب «جامع الاخبار» به طور

خلاصه از طریق جابر بن عبد الله انصاری و او از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورده است. سپس شاذان بن جبرئیل قمی در «الفضائل» خود، تفصیل آن را انعکاس داده است. در این گزارش از آثار با برکت ولادت امیرمومنان علیه السلام بر زمین و آسمان و نیز شادمانی جناب ابوطالب علیه السلام از این واقعه، همچنین اعلام ولادت فرزندش، سخن به میان آمده است.

سید بن طاووس می نویسد:

[الباب فیما نذکره من تسمیة مولانا علی علیه السلام بأمر المؤمنین] رأیت

ذلك و رویته من کتاب مولد مولانا علی علیه السلام بالبیت تألیف أبی جعفر

محمد بن بابویه قد رواه عن رجال الجمهور فلنلك أذكره و أقتصر علی

المراد منه. فقال: حَدَّثَنِي مُحَمَّدٌ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِي رَحِمَهُ اللهُ قَالَ

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَطَا قَالَ حَدَّثَنَا شَاذَانَ بْنَ الْعَلَاءِ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ أَبِي

يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ عَبْدِ الصَّمَدِ قَالَ حَدَّثَنِي مُسْلِمُ بْنُ خَالِدِ الْمَكِّي

قَالَ حَدَّثَنَا جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللهِ الْأَنْصَارِي قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللهِ ص عَنْ مِيلَادِ

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ آهَ آهَ لَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ خَيْرِ مَوْلُودِ بَعْدِي عَلَيَّ
سَنَةِ الْمَسِيحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

این باب درباره نامیدن امام علی علیه السلام به امیر المومنین است. این روایت را دیده و آن را از کتاب «مولد مولانا علی علیه السلام بالیت» تالیف شیخ صدوق روایت می‌کنم که آن را از علمای اهل سنت روایت کرده است. پس به همین سبب آن را ذکر می‌کنم و به مقداری که مقصود ماست، اکتفاء می‌نمایم. او با سلسله سند خودش از جابر نقل می‌کند که گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره ولادت امام علی علیه السلام پرسیدم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آه آه همانا درباره بهترین مولود پس از من پرسیدی که بر سنت حضرت عیسی بن مریم علیه السلام تولد یافت.

ابن طاووس، علی بن موسی (متوفای ۶۶۴)، الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بامرأة المؤمنین، ص ۱۹۱.

در کتاب «جامع الاخبار» نیز چنین آمده است:

رَوَى بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيِّ قَالَ
حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ النَّجَّارُ دُورِيَسْتِي [لِلدُّورِيَسْتِي] قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي
مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ
مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيِّ وَحَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ
الْعَزِيزِ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ قَالَ حَدَّثَنِي مُسْلِمُ بْنُ خَالِدِ الْمَكِّيِّ قَالَ حَدَّثَنِي جَابِرُ بْنُ

عَبْدُ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَ عَنْ مِيلَادِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ
صَ لَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ خَيْرِ مَوْلُودٍ وُلِدَ بَعْدِي عَلَى سَنَةِ الْمَسِيحِ

الشعيرى، محمد بن محمد، (متوفى قرن ٦)، جامع الاخبار، ص ١٦، ناشر: مطبعة حيدرية.

مشروح روایت به گزارش شاذان بن جبریل این است:

أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْإِمَامُ الْعَالِمُ الْوَرَعُ النَّاقِلُ ضِيَاءُ الدِّينِ شَيْخُ الْإِسْلَامِ أَبُو الْعَلَاءِ
الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ الْهَمْدَانِيُّ رَه فِي هَمْدَانَ فِي مَسْجِدِهِ فِي
الثَّانِي وَالْعِشْرِينَ مِنْ شَعْبَانَ سَنَةِ ثَلَاثٍ وَثَلَاثِينَ وَسِتِّمِائَةَ قَالَ حَدَّثَنَا الْإِمَامُ
رُكْنُ الدِّينِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْفَارِسِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُ بْنُ رَوْقٍ
الْخَطَّابِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَجَّاجُ بْنُ مِنْهَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عِمْرَانَ عَنْ شَاذَانَ بْنِ
الْعَلَاءِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ عَنْ سَالِمٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ السَّرِيِّ
عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَ عَنْ مِيلَادِ عَلِيِّ بْنِ
أَبِي طَلِّبٍ فَقَالَ آهَ آهَ سَأَلْتِ عَجَبًا يَا جَابِرُ عَنْ خَيْرِ مَوْلُودٍ وُلِدَ بَعْدِي عَلَى
سَنَةِ الْمَسِيحِ ... كَانَ رَجُلٌ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ وَكَانَ زَاهِدًا عَابِدًا يُقَالُ لَهُ الْمُرْتَمِ

بْنِ زَغَيْبِ الشَّيْقَبَانِ وَكَانَ مِنْ أَحَدِ الْعِبَادِ ... ثُمَّ قَالَ أَبَشِرْ يَا هَذَا [يعني اباطالب]
فَإِنَّ الْعَلِيَّ الْأَعْلَى الْأَهْمَنِي إِلَهُمَا فِيهِ بَشَارَتُكَ فَقَالَ أَبُو طَالِبٍ وَ مَا هُوَ قَالَ وَلَدٌ
يُولَدُ مِنْ ظَهْرِكَ هُوَ وَلِيُّ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ وَصِي رَسُولِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ ... قَالَ أَبُو طَلْبٍ إِنِّي لَمَّا أَعْلَمَ حَقِيقَةَ مَا تَقُولُ لِيَا بِيْرَهَانَ مَبِينٍ وَ دَلَلَةٍ
وَاضِحَةٍ قَالَ الْمُثْرَمُ مَا تَرِيدُ قَالَ أُرِيدُ أَنْ أَعْلَمَ مَا تَقُولُهُ حَقٌّ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ
أَلْهَمَكَ ذَلِكَ قَالَ فَمَا تَرِيدُ أَنْ أَسْأَلَ لَكَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يَطْعَمَكَ فِي مَكَانِكَ هَذَا
قَالَ أَبُو طَلْبٍ أُرِيدُ طَعَامًا مِنَ الْجَنَّةِ فِي وَقْتِي هَذَا قَالَ فَدَعَا الرَّاهِبُ رَبَّهُ قَالَ
جَابِرٌ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَمَا اسْتَمَّ الْمُثْرَمُ دَعَاءَهُ حَتَّى أُوتِيَ بِطَبَقٍ عَلَيْهِ فَالْكِهَةُ
مِنَ الْجَنَّةِ وَ عِدْقُ رُطْبٍ وَ عِنَبٍ وَ رَمَّانٍ فَجَاءَ بِهِ الْمُثْرَمُ إِلَى أَبِي طَلْبٍ فَتَنَاوَلَ
مِنْهُ رَمَّانَةً ثُمَّ نَهَضَ مِنْ سَاعَتِهِ إِلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ رَضِيَ فَلَمَّا اسْتَوْدَعَهَا النُّورَ
ارْتَجَّتِ الْأَرْضُ وَ تَزَلْزَلَتْ بِهِمْ سَبْعَةَ أَيَّامٍ حَتَّى أَصَابَ قَرِيشًا مِنْ ذَلِكَ شِدَّةً
فَفَزِعُوا ... ثُمَّ صَعِدَ أَبُو طَالِبٍ الْجَبَلَ وَ قَالَ لَهُمْ أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى
عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ أَحْدَثَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ حَادِثًا وَ خَلَقَ فِيهَا خَلْقًا ... فَبَكَى وَ رَفَعَ

يَدِيهِ وَ قَالَ إِيَّاهُ وَ سَيِّدِي أَسْأَلُكَ بِالْمَحْمَدِيَّةِ الْمَحْمُودَةِ وَ الْعُلُويَّةِ الْعَالِيَةِ وَ
 الْفَاطِمِيَّةِ الْبَيْضَاءِ إِلَّا تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ تَهَامَةً بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ قَالَ جَابِرٌ قَالَ رَسُولُ
 اللَّهِ ص فَوَ اللَّهُ لِلَّذِي خَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسْمَةَ قَدْ كَلَنْتِ الْعَرَبُ تَكْتَبُ هَذِهِ
 الْكَلِمَاتِ فَيَدْعُونَ بِهَا عِنْدَ شِدَائِدِهِمْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَ هِيَ لَمْ تَعْلَمْهَا وَ لَمْ تَعْرِفْ
 حَقِيقَتَهَا حَتَّى وُلِدَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَلِّبٍ فَلَمَّا كَانَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي وُلِدَ فِيهَا عِ
 أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ وَ تَضَاعَفَتِ النُّجُومُ فَأَبْصَرْتُ مِنْ ذَلِكَ عَجَبًا فَصَاحَ بَعْضُهُمْ فِي
 بَعْضٍ وَ قَالُوا إِنَّهُ قَدْ حَدَثَ فِي السَّمَاءِ حَدِيثٌ أَلَّا تَرَوْنَ إِشْرَاقَ السَّمَاءِ وَ
 ضِيَاءَهَا وَ تَضَاعَفَ النُّجُومَ بِهَا قَالَ فَخَرَجَ أَبُو طَالِبٍ وَ هُوَ يَتَخَلَّلُ سِكَكَ مَكَّةَ وَ
 مَوَاقِعَهَا وَ أَسْوَاقَهَا وَ هُوَ يَقُولُ لَهُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وُلِدَ اللَّيْلَةَ فِي الْكَعْبَةِ حَبَّةَ اللَّهِ

تَعَالَى وَ وَلي اللَّهِ ...

جابر می گوید از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم درباره ولادت امام علی علیه السلام پرسیدم، پیامبر صلی الله علیه
 وآله وسلم فرمود: آه آه همانا درباره بهترین مولود پس از من پرسیدی که بر سنت عیسی بن مریم علیه السلام
 تولد یافت ... در آن زمان مردی عابد و زاهد بود که او را مثرم می گفتند. او یکی از عابدان بود. او
 گفت: ای ابوظالب! بر تو بشارت باد همانا خداوند بزرگ مرا الهامی نمود که در آن بشارتی برای

توست. ابوطالب گفت: آن چیست؟ مثرم گفت: فرزندی از پشت تو بیرون می آید که ولی خدا، امام متقین و جانشین رسول رب العالمین صلی الله علیه و آله و سلم است ... ابو طالب گفت: من حقیقت آنچه را که می گویی نمی دانم مگر به دلیل روشن. مثرم گفت: چه می خواهی؟ گفت: می خواهم بدانم آنچه می گویی حق است و خداوند به تو الهام نموده است. گفت: چه می خواهی تا آنکه از خداوند بخواهم تو را در اینجا از طعام سیر گردانم؟ حضرت ابوطالب فرمود: طعامی بهشتی می خواهم. در این هنگام مثرم خداوند را خواند. جابر می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هنوز دعایش تمام نشده بود که طبقی آورده شد و بر آن میوه‌ی بهشتی و خوشه‌ی خرما و انگور و انار بود. مثرم آن را برای ابوطالب علیه السلام آورد و اناری از آن خورد. سپس برخاست و نزد فاطمه بنت اسد علیها السلام رفت. زمانی که نور [حضرت علی علیه السلام در رحم] فاطمه بنت اسد قرار گرفت، زمین به لرزه در آمد و به مدت هفت روز در حال لرزش بود تا آنکه قریش از این ماجرا احساس ترس نمودند... سپس حضرت ابوطالب علیه السلام بر بالای کوه رفت و گفت: ای مردم بدانید خدای تعالی در این شب حادثه ای ایجاد کرد و مخلوقی جدید خلق نمود ... این هنگام حضرت ابوطالب علیه السلام گریه کرد و دستانش را بالا برد و عرضه داشت: خداوندا، آقای من، از تو درخواست می کنم به حق مقام محمدی که ستایش شده و جای گاه علوی بلند مرتبه به جایگاه و شان فاطمی درخشان، بر سرزمین مکه رأفت و رحمت را ارزانی بداری. جابر می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به خدایی قسم که دانه را آفرید و انسان را خلق نمود عرب این جملات جناب ابوطالب علیه السلام را نوشتند و در زمان جاهلیت در سختی ها و مشکلات با این جملات خداوند را می خواندند ولی نمی دانستند معنای آن چیست و حقیقت آن را درک نمی کردند تا اینکه [حضرت] علی بن ابی طالب [علیه السلام] متولد شد؛ در شبی که ایشان پا به جهان گذاشت، زمین را

نور فرا گرفت و [گویا] ستارگان دو برابر شدند. این مایه تعجب همگان گشت. برخی از آنان فریاد می زدند و می گفتند در آسمان حادثه ای رخ داد آیا روشنی و نور آسمان و دو برابر شدن ستارگان را نمی بینید؟ در این هنگام حضرت ابوطالب علیه السلام خارج شد در حالی که در کوچه ها و بازارهای مکه تردد می کرد و می گفت: ای مردم! امشب در کعبه حجت خدا و ولی او متولد شده است ...

القمی، شاذان بن جبرئیل، (متوفای ۶۶۰هـ) الفضائل، ص ۵۴ الی ۵۶، ناشر: منشورات المطبعة الحیدریه و مکتبتها -

النجف الأشرف، ال چاپ: ۱۳۸۱ - ۱۹۶۲ م.

لازم به ذکر است علامه مجلسی همین روایت را از کتاب «غرر الدرر» نیز گزارش می کند.

كِتَابُ غُرْرِ الدَّرْرِ لِلسَّيِّدِ حَيْدَرَ الْحُسَيْنِيِّ عَنِ الشَّيْخِ جَمَالِ الدِّينِ مُحَمَّدِ بْنِ
عَبْدِ الرَّشِيدِ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ الْعَطَّارِ الْهَمْدَانِيِّ عَنِ الْإِمَامِ رُكْنِ
الدِّينِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْفَارِسِيِّ عَنِ فَارُوقِ الْخَطَّابِيِّ عَنِ حَجَّاجِ
بْنِ مِنْهَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَمْرَانَ الْفَسَوِيِّ عَنِ شَاذَانَ بْنِ الْعَلَاءِ عَنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ
بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ خَالِدِ الْمَكِّيِّ عَنِ أَبِي الزُّبَيْرِ عَنِ جَابِرِ مِثْلَهُ.

المجلسی، محمد باقر (متوفای ۱۱۱۱هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۳۵، ص: ۱۰۶، تحقیق:

محمد الباقر البهبودی، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

دوم: طریق امیر مؤمنان علی علیه السلام

این گزارش را طبری امامی و حسین بن عبد الوهاب با سلسله سند، از طریق جناب میثم تمار از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل کرده‌اند. بر-پایه این گزارش سعید بن فضل در میان جمعیتی که امام علی علیه السلام نیز در آن حضور داشت، در سخنانی که بیان‌گر فضائل آن حضرت از جمله ولادت ایشان در خانه خدا است، آغاز به سخن نمود و در میان آن جمعیت کسی سخنانش را رد نکرد. امام علی علیه السلام نیز سخنش را تایید نمود و فرمود: ای سعید بن فضل آن چه گفتی من هستم. متن این روایت، چنین است:

حدثنا أبو التحف علي بن محمد بن إبراهيم المصري قال [حدثني] الأشعث بن مرة عن المثني بن سعيد عن هلال بن كيسان الكوفي الجزار عن الطيب الفواخري عن عبد الله بن سلمة الفتحي عن شقادة بن الاصيد العطار البغدادي قال [حدثني] عبد المنعم بن الطيب عن العلا بن وهب بن قيس عن الوزير

أبي محمد [بن] سايلويه رضي الله عنه فإنه كان من أصحاب أمير المؤمنين عليه السلام [العارفين وروى جماعتهم] عن ابن حريز عن أبي الفتح المغازلي عن أبي جعفر ميثم التمار قال: كنت بين يدي مولاي أمير المؤمنين عليه السلام إذ دخل علينا من الباب رجل مشذب عليه قباء أدكن ... وقال: أيكم المجتبي في الشجاعة أيكم المولود في الحرم ... فقال أمير المؤمنين عليه السلام: أنا يا سعد بن الفضل بن الربيع بن مدركة ...

ميثم تمار گوید: روزی در کوفه در محضر امیرالمؤمنین علیه السلام نشستہ بودم کہ ناگهان مردی بلند قامت، با قبای خز تیره رنگ بر تن، وارد شد ... و گفت: کدام یک از شما در شجاعت برگزیده است؟ کدام یک از شما در کعبه دیده به جهان گشوده است؟ ... علی علیه السلام فرمود: ای سعد بن فضل بن ربيع بن مدرکہ آنچه گفתי من ہستم

طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم (متوفای قرن ۵)، نوادر المعجزات، ص ۳۲ الی ۳۳.

حسین بن عبد الوہاب، عیون المعجزات ص ۱۸، ناشر: محمد کاظم الشیخ صادق الکتبی منشورات المطبعۃ الحیدریۃ فی

النجف ۱۳۶۹ ہج - ۱۹۵۰ م سال چاپ: ۱۳۶۹ چاپخانہ: الحیدریۃ - نجف.

سوم: طریق یزید بن قعب

این طریق مربوط به یزید بن قعب یکی از شاهان عینی است. مطابق این گزارش، دیوار کعبه شکافته شد، فاطمه بنت لیس علیها السلام بدان وارد گشته، مدت چند روز در آن توقف نمود و سرانجام آن حضرت علیه السلام تولد یافت. مادر امام علی علیه السلام پس از شاهان بسیاری از این رخداد نام گذاری فرزندش را دست توری از طرف خداوند می دانند که به همراه بیان پاره ای از فضائل آن حضرت، توسط پیکی از غیب به وی اعلام گشت. شیخ صدوق در سه کتاب معروف خویش با ذکر سلسله راویان، این چنین روایت می نماید:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى لِلدَّقَّاقِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عَمْرٍو عَنِ ثَابِتِ بْنِ دِينَارٍ عَنِ سَعِيدِ بْنِ جَبْرِ قَالَ قَالَ يَزِيدُ بْنُ قَعْبٍ كُنْتُ جَالِسًا مَعَ الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَفَرِيقٍ مِنْ عَبْدِ الْعَزِيِّ بِأَزَاءِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ إِذْ أَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ أَسَدٍ أُمِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ

كَانَتْ حَامِلَةً بِهِ لِتِسْعَةِ أَشْهُرٍ وَقَدْ أَخَذَهَا الطَّلَقُ فَقَالَتْ رَبِّ إِنِّي مُؤْمِنَةٌ بِكَ وَ
 بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِكَ مِنْ رَسُلٍ وَ كَتَبَ وَ إِنِّي مُصَدِّقَةٌ بِكَلَامِ جَدِّي إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَّهُ بَنَى الْبَيْتَ الْعَتِيقَ فَبِحَقِّ الَّذِي بَنَى هَذَا الْبَيْتَ وَ بِحَقِّ الْمُؤَلَّودِ
 الَّذِي فِي بَطْنِي لَمَّا يَسَّرْتَ عَلَيَّ وَ لِوَالِدَتِي قَالَ يَزِيدُ بْنُ قَعْنَبٍ فَرَأَيْنَا الْبَيْتَ وَ قَدْ
 انْفَتَحَ عَنْ ظَهْرِهِ وَ دَخَلَتْ فَاطِمَةُ فِيهِ وَ غَابَتْ عَنْ أَبْصَارِنَا وَ التَّرَقُّ الْحَائِطُ فَرَمْنَا
 أَنْ يَنْفَتِحَ لَنَا قِفْلُ الْبَابِ فَلَمْ يَنْفَتِحْ فَعَلِمْنَا أَنَّ ذَلِكَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ
 خَرَجَتْ بَعْدَ الرَّابِعِ وَ بِيَدِهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَتْ ... لَمَّا أَرَدْتُ أَنْ
 أَخْرَجَ هَتَفَ بِي هَاتِفٌ يَا فَاطِمَةُ سَمِيهِ عَلِيًّا فَهُوَ عَلِيٌّ وَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يَقُولُ
 إِنِّي شَقَقْتُ اسْمَهُ مِنْ اسْمِي وَ أَدَبْتَهُ بِأَدْبِي وَ وَقَفْتَهُ عَلَى غَامِضِ عِلْمِي وَ هُوَ
 الَّذِي يَكْسِرُ الْأَصْنَامَ فِي بَيْتِي وَ هُوَ الَّذِي يُؤَدِّنُ فَوْقَ ظَهْرِ بَيْتِي وَ يَقْدُسُّ سِنِي وَ
 يَمَجِّدُنِي فَطُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ وَ أَطَاعَهُ وَ وَبِئْسَ لِمَنْ أَبْغَضَهُ وَ عَصَاهُ.

یزید بن قعنّب گوید من با عباس بن عبد المطلب و جمعی از عبد العزی برابر خانه کعبه نشستہ بودیم
 کہ فاطمه بنت اسد علیها السلام کہ در ماه نهم بارداری امیرمومنان علیہ السلام بود و درد تولد نوزاد داشت،
 وارد شد و گفت: خدایا من به تو و بدان چه از نزد تو آمده است از رسولان و کتاب ها، ایمان دارم و

به سخن جدم ابراهیم خلیل تصدیق دارم و او است که این بیت عتیق را ساخت. به حق آنکه این خانه را ساخته و به حق مولودی که در شکم من است ولادت را بر من آسان کن. یزید بن قعنب گوید دیدیم که خانه از پشت شکافت و فاطمه علیها السلام به درون آن رفت و از دیده ما نهان شد و دیوار به هم آمد. خواستیم قفل در خانه را بگشائیم، گشوده نشد. در این هنگام دانستیم که این امر از طرف خدای عز و جل است. پس از چهار روز بیرون آمد در حالی که علی علیه السلام را در دست داشت. سپس گفت ... چون خواستم بیرون آیم هاتنی آواز داد ای فاطمه نامش را علی بگذار که او علی است و خدای اعلی میفرماید: من نام او را از نام خود گرفتم و به ادب خود تادیش نمودم و دانش پیچیده خویش را بدو آموختم و اوست که بتها را در خانه من می شکند و اوست که در بام خانه ام اذان میگوید و مرا تقدیس و تمجید میکند. خوشا بر کسی که او را دوست دارد و فرمان از او بردارد و وای بر کسی که او را دشمن دارد و از او نافرمانی کند.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱هـ)، الأملی، ص ۱۹۴ الی ۱۹۵، تحقیق و نشر: قسم الدراسات الاسلامیة - مؤسسه البعثة - قم، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷هـ.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱هـ)، علل الشرائع، ج ۱ ص ۱۳۵ الی ۱۳۶، تحقیق و تقدیم: السيد محمد صادق بحر العلوم، ناشر: منشورات المكتبة الحیدریة و مطبعتها - النجف الأشرف، الطبع: ۱۳۸۵ - ۱۹۶۶ م.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین، (متوفای ۳۸۱هـ)، معانی الأخبار، ص ۶۲، ناشر: جامعه مدرسین، قم، اول، ۱۴۰۳ ق.

لازم به ذکر است صاحب کتاب بشاره المصطفی صلی الله علیه و آله همین روایت را با اضافه یک نفر در ابتدای سند از شیخ صدوق نقل کرده است:

أَخْبَرَنَا الرَّئِيسُ الزَّاهِدُ الْعَابِدُ الْعَالِمُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ
 فِي الرَّيِّ سَنَةَ عَشْرَةَ وَخَمْسِمِائَةٍ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ الْحَسَنِ بْنِ
 الْحُسَيْنِ عَنْ عَمِّهِ الشَّيْخِ السَّعِيدِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ
 رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى لِلدَّقَّاقِ قَالَ: حَدَّثَنَا
 مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ
 عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنِ الْمَفْضَلِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ ثَابِتِ بْنِ دِينَارٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ
 جَبْرِ قَالَ: قَالَ: يَزِيدُ بْنُ قَعْنَبٍ: كُنْتُ جَالِسًا مَعَ الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ ...

الطبري، عماد الدين أبي جعفر محمد بن أبي القاسم (متوفى ٥٢٥هـ)، بشاره المصطفى (صلى الله عليه وآله) لشيعة
 المرتضى عليه السلام، ص ٢٧، تحقيق: جواد القيومي الأصفهاني، طبع ونشر: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة
 المدرسين بقم المشرفة الطبعة: الأولى ١٤٢٠ هـ.

چهارم: طريق عباس بن عبد المطلب

این گزارش را شیخ طوسی رحمه الله با همه بسند از عباس عموی رسول خدا صلی
 الله علیه و آله وسلم که شهید عینی دیگری است و نیز یزید بن قعب انعکاس داده

لست. لازم به ذکر لست دو راوی آن یعنی عایشه و انس بن مالک از راویان اهل

سنت به شمار می روند.

متن گزارش به قرا ذیل است:

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِي

(رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ)، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ

شَاذَانَ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَيُّوبَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَمْرُ بْنُ الْحَسَنِ

الْقَاضِي، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو حَبِيبَةَ، قَالَ: حَدَّثَنِي

سُفْيَانُ بْنُ عَيْنَةَ، عَنِ الزُّهْرِيِّ، عَنِ عَائِشَةَ.

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ شَاذَانَ: وَحَدَّثَنِي سَهْلُ بْنُ أَحْمَدَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ

بْنُ عَمْرِو الرُّبَيْعِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا زَكَرِيَّا بْنُ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو دَاوُدَ، قَالَ: حَدَّثَنَا

شُعْبَةُ، عَنِ قَتَادَةَ، عَنِ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ.

قَالَ ابْنُ شَاذَانَ: وَحَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَلِيٍّ، بِإِسْنَادِهِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ

و يَزِيدُ بْنُ قَعْنَبٍ جَالِسِينَ مَا بَيْنَ فَرِيقِ بَنِي هَاشِمٍ إِلَى فَرِيقِ عَبْدِ الْعَزِيِّ بِإِزَاءِ
بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ، إِذْ لَتَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ أَسَدِ بْنِ هَاشِمٍ أُمَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ
السَّلَامُ وَ كَانَتْ حَامِلَةً بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِتِسْعَةِ أَشْهُرٍ فَوْقَتْ بِإِزَاءِ
الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَقَدْ أَخَذَهَا الطَّلُقُ فَرِمَتْ بِطَرْفِهَا نَحْوَ السَّمَاءِ وَقَلَّتْ: أَيُّ رَبِّ
إِنِّي مُؤْمِنَةٌ بِكَ وَ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِكَ الرَّسُولُ فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْبَيْتِ وَ بِهَذَا
الْمَوْلُودِ الَّذِي فِي أَحْشَائِي الَّذِي ... لَمَّا يَسَّرْتَ عَلَيَّ وَ لِدَاتِي قَالَ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ

الْمُطَّلَبِ وَ يَزِيدُ بْنُ قَعْنَبٍ: لَمَّا تَكَلَّمَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ أَسَدٍ رَأَيْنَا الْبَيْتَ قَدْ انْفَتَحَ

مِنْ ظَهْرِهِ وَ دَخَلَتْ فَاطِمَةُ فِيهِ وَ غَابَتْ عَنْ أَبْصَارِنَا ثُمَّ عَادَتْ الْفَتْحَةَ وَ التَّرَقَّتْ

بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى فَرَمْنَا أَنْ نَفْتَحَ الْبَابَ لِيَصِلَ إِلَيْهَا بَعْضُ نِسَائِنَا فَلَمْ يَنْفَتِحِ الْبَابُ

فَعَلِمْنَا أَنَّ ذَلِكَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَ بَقِيَتْ فَاطِمَةُ فِي الْبَيْتِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَلَمَّا

كَانَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ انْفَتَحَ الْبَيْتُ مِنَ الْمَوْضِعِ الَّذِي كَانَتْ دَخَلَتْ فِيهِ فَخَرَجَتْ

فَاطِمَةُ وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى يَدَيْهَا ثُمَّ قَالَتْ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَضَّلَنِي عَلَى

الْمُخْتَارَاتِ مِمَّنْ مَضَى قَبْلِي ... لِمَآئِي وَلِدْتُ فِي بَيْتِهِ الْعَتِيقِ فَلَمَّا أَرَدْتُ أَنْ

أَخْرَجَ وَوَلَدِي عَلَى يَدِي هَتَفَ بِي هَاتِفٌ وَقَالَ: يَا فَاطِمَةَ، سَمِّيهِ عَلِيًّا، ... وَ
هُوَ الْإِمَامُ بَعْدَ حَبِيبِي وَ نَبِيِّ ...

عباس بن عبدالمطلب و یزید بن قعنب در میان گروه بنی هاشم و عبدالعزّی در مقابل بیت الله الحرام نشسته بودند هنگامی که فاطمه بنت اسد بن هاشم آمد و در آن روز نُه ماه تمام به امیر المؤمنین علیه السلام حامله بود. فاطمه مقابل بیت الله الحرام ایستاد و رویش را به طرف آسمان بلند نمود و گفت: ای پروردگار من، همانا من به تو و به آنچه از نزد تو فرستاده شده ایمان دارم ... پس از تو می خواهم به حق این خانه و به حق این مولودی که در شکم من است اینکه این ولادت را بر من آسان کنی. عباس بن عبدالمطلب و یزید بن قعنب گفتند: هنگامی که فاطمه بنت اسد این گونه سخن گفت و به این حالت دعا کرد، دیدیم خانه ی کعبه از پشت گشوده شد (دیوار شکافته شد) و فاطمه بنت اسد در آن داخل شد و از چشم ها پنهان گردید و دیوار شکافته شده، به اذن خداوند به حالت اول بازگشت. یعنی شکاف بسته شد. پس از آن هر کاری کردیم که در را باز کنیم و بعضی از زن های ما پیش او بروند در باز نشد. پس دانستیم که همانا آن امر بزرگی از امر خداوند بلند مرتبه است. فاطمه سه روز در خانه کعبه بود. هنگامی که بعد از سه روز از همان جایی که دیوار گشوده شده بود و فاطمه داخل شده بود، دوباره شکافته شد و فاطمه بنت اسد در حالی که علی علیه السلام بر روی دستانش بود از آن خارج شد. و به مردم گفت: همانا خداوند عزوجل مرا بر زنان اختیار شده از کسانی که قبل از من بودند، فضیلت و برتری داد ... برای اینکه من فرزندم را در بیت عتیق به دنیا آوردم و هنگامی که اراده نمودم

که از خانه کعبه با فرزندم که در آغوشم بود خارج شوم، هاتفی از غیب گفتم: ای فاطمه او را علی بنام ... او امام پس از حبیب و نبی من است.

الطوسی، الشیخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای ۴۶۰هـ)، الأمالی، ص ۷۰۶ الی ۷۰۷، تحقیق:

قسم الدراسات الاسلامیة - مؤسسه البعثة، ناشر: دار الثقافة - قم، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۴هـ

پنجم: طریق أم العارة بنت عبادة

این گزارش را ابن مغزلی از عالمان سده پنجم اهل سنت توسط زیده بنت قریبه و او از مادرش أم عماره که یکی دیگر از شهیدان ماجرا بود، نقل کرده است. این گزارش اگر چه در تبیین جزئیات ماجرا با گزارش های دیگر مقداری متفاوت است اما در رابطه با ورود فاطمه بنت لیس سلام الله علیها به خانه خدا و تولد یافتن امام علی علیه السلام در این مکان، با دیگر گزارش ها همسو است.

اینک متن گزارش:

أخبرنا أبو طاهر محمد بن علي بن محمد البيهقي قال أخبرنا أبو عبد الله أحمد بن محمد بن عبد الله بن خلاد الكلبي قال حدثنا أحمد بن جعفر بن محمد بن سلم الختلي قال: حدثني عمر بن أحمد بن روح حدثني أبو طاهر يحيى

بن الحسن العلوي قال: حدثني محمد بن سعيد الدارمي حدثنا موسى بن جعفر، عن أبيه، عن محمد بن علي عن أبيه علي بن الحسين قال: كنت جالساً مع أبي ونحن زائرون قبر جدنا عليه السلام، وهناك نسوان كثيرة إذ أقبلت امرأة منهن فقلت لها: من أنت يرحمك الله؟ قالت: أنا زيدة بنت قريية بن العجلان من بني ساعدة. فقلت لها: فهل عندك شيئاً تحدثينا؟ فقالت: إي والله حدثتني أمي أم العارة بنت عبادة بن نضلة بن مالك بن عجلان الساعدي أنها كانت ذات يوم في نساء من العرب إذ أقبل أبو طالب كئيباً حزيناً فقلت له: ما شأنك يا أبا طالب؟ قال: إن فاطمة بنت أسد في شدة المخاض ثم وضع يديه على وجهه فبينما هو كذلك إذ أقبل محمد صلى الله عليه وسلم فقال له: ما شأنك يا عم؟ فقال: إن فاطمة بنت أسد تشتكي المخاض فأخذ بيده وجاء وهي معه فجاء بها إلى الكعبة فأجلسها في الكعبة ثم قال: اجلسي على اسم الله قال: فطلقت طلقة فولدت غلاماً مسروراً نظيفاً منظفاً لم أر كحسن وجهه فسماه أبو طالب علياً وحمله النبي صلى الله عليه وسلم حتى أداه إلى منزلها.

قال علي بن الحسين عليهم السلام: فوالله ما سمعت بشيء قط إلا وهذا أحسن

منه.

امام سجاد علیه السلام فرمود: با پدرم نشسته بودم و به زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله آمده بودیم در آنجا زنان زیادی بودند ناگاه زنی از آنان رو به ما کرد. به او گفتم تو کیستی خدا تو را رحمت کند؟ جواب داد: من زیده دختر قریبه بن عجلان از قبیله بنی ساعده هستم. به او گفتم: آیا چیزی داری به ما روایت کنی؟ گفت: آری به خدا. روایت کرد مرا مادرم ام عماره دختر عبادۀ بن نضلۀ بن مالک بن عجلان ساعدی که روزی در میان زنان عرب بودم که ابو طالب در حالی که محزون و دل گرفته بود، وارد شد به او گفتم: ای ابو طالب چه می شود تو را؟ گفت: فاطمه بنت اسد در حال زایمان است. سپس دستش را روی صورتش گذاشت. ما آنجا بودیم که ناگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شد. گفت: ای عمو تو را چه می شود؟ جواب داد: فاطمه بنت اسد از شدت درد زایمان می نالد. پس دست ابو طالب را گرفت و به همراه فاطمه به سوی کعبه آورد و در کعبه نشانده. سپس به فاطمه فرمود: بنشین به نام خدا. همان موقع دردی او را گرفت. سپس پسری پاکیزه زائید. ابو طالب نام او را «علی» گذاشت و پیامبر او را برداشت تا به منزل فاطمه رساند. علی بن الحسین علیهما السلام فرمود: به خدا قسم [در خصوص ولادت علی علیه السلام] هیچ چیزی نشنیدم مگر این که این از همه بهتر بود.

ابن المغازلی، علی بن محمد، (متوفای ۴۸۳هـ)، مناقب أمير المؤمنين علی بن ابی طالب علیه السلام، ج ۱ ص ۲۶، تحقیق:

أبو عبد الرحمن ترکی بن عبد الله الوادعی.

گزارش‌های غیر مسند

ناقلان حدیث در پاره‌ای موارد، بی آنکه سلسله راویان را بیاورند، تنها متن روایت را گزارش کردند. این امر لزوماً به معنای فلقد سند بودن یک روایت نیست، بلکه می‌تواند به لحاظ رعایت اختصار یا اموری مانند شهرت آن روایت و ... باشد. تعدادی از گزارش‌های بدون سند، پیرامون ولادت در کعبه به قرار زیر است:

یکم: امام سجاد علیه السلام

رَوِيَ أَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ الْفَضِيلِ الدَّرَوَقِيَّ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ع يَقُولُ إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ أَسَدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا ضَرَبَهَا الطَّلُقُ وَ هِيَ فِي الطَّوَافِ فَدَخَلَتِ الْكَعْبَةَ فَوَلَدَتْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع فِيهَا.

قال عمر بن عثمان ذكرت هذا الحديث لسلمة بن الفضل فقال حدثني

محمد بن إسحاق عن عمه و موسى بن بشار أن علي بن أبي طالب ع ولد في

الكعبة.

از ابو حمزه ثمالی روایت شده است که گفت از امام سجاد علیه السلام شنیدم که فرمود: فاطمه بنت اسد را درد تولد نوزاد فرا گرفت، در حالی که مشغول طواف بود. پس داخل کعبه شد و علی بن ابی طالب علیه السلام را در آنجا به دنیا آورد.

عمر بن عثمان گفت: این حدیث را برای سلمه بن فضل گفتم او گفت: محمد بن اسحاق از عمویش و موسی بن بشار برایم گفتند که علی بن ابی طالب علیه السلام در کعبه تولد یافت.

النيسابوري ، ابو علي محمد بن القتال (الشهيد ٥٠٨هـ) ، روضة الواعظين ، ص ٨١ ، تحقيق: السيد محمد مهدي السيد حسن الخراسان، ناشر: منشورات الرضى - قم.

نویسنده در مقدمه این کتاب می نویسد:

و لنا إن شاء الله أفتح لكل مجلس منها بكلام الله تعالى ثم بآثار النبي و الأئمة ع

محدوفة الأسانيد فإن الأسانيد لا طائل فيها إذا كان الخبر شائعا ذائعا.

به خواست خداوند برای هر مجلس، نخست با کلامی از خداوند تعالی سپس آثار رسول خدا و ائمه علیهم السلام، با حذف اسانیدشان شروع می کنم؛ زیرا وقتی که خبر گسترش و شیوع داشته باشد [آوردن] اسانید، فایده ای ندارد.

النيسابوري ، ابو على محمد بن الفتال (الشهيد ٥٠٨هـ) ، روضة الواعظين ، ص ١، تحقيق: السيد محمد مهدي السيد

حسن الخراسان، ناشر: منشورات الرضى - قم.

دوم: امام صادق عليه السلام

[زيارة اخرى لأمير المؤمنين صلوات الله عليه] زَارَ بِهَا الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
فِي سَابِعِ عَشَرَ رَبِيعِ الْأَوَّلِ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ عَلَّمَهَا لِمُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمِ الثَّقَفِيِّ
قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ مَشْهَدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاعْتَسِلْ غُسْلَ الزِّيَارَةِ ... وَقُلْ:
... السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاوَدَ الْأَيْمَةَ ... السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ وُلِدَ فِي الْكَعْبَةِ.

[زيارت ديگر برای امير مؤمنان عليه السلام] که امام صادق عليه السلام در هفده ربيع الاول در هنگام طلوع خورشيد، با آن [عبارات] على عليه السلام را زيارت و آن را به محمد بن مسلم تعليم نموده است. فرمود: آنگاه که نزد امام عليه السلام آمدی، غسل زيارت به جای آور ... سپس بگو: سلام بر تو ای پدر امامان ... سلام بر تو ای کسی که در خانه خدا تولد یافتی.

المشهدی، الشيخ أبو عبد الله محمد بن جعفر بن علی (متوفای ٦١٠هـ)، المزار، ص ٢٠٥ الى ٢٠٧، تحقيق: جواد

القيومي الأصفهاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي، الطبعة: الأولى، رمضان المبارك ١٤١٩هـ.

سوم: امام صادق عليه السلام

عن الصادق عليه السلام ان فاطمة ابنة أسد قالت لما حملت بعلي رأني رسول الله صلى الله عليه وآله بعد أربعة أشهر فقال إن معك حملا يا أماه قلت نعم قال إن ولدته ذكرا فهببه لي أشدد به أزري وأشركه في أمري فسمعه أبو طالب فقال عزيزي انا غلامك وفاطمة جاريتك ان ولدت ذكر أو أنثى فهو لك فلما تمت شهوري طففت بالبيت ثلثا فضربني المطلق فاستقبلني محمد وقال مالي أرى وجهك متغيرا قلت ضربني المطلق قال فرغت من الطواف قلت لا قال طوفي فان اتى عليك أمر لا تطيقينه فادخلي الكعبة فهي ستر الله فلما كنت في السابعة وعلائي مالا أطيعه دخلت الكعبة فلما توسطتها بإزاء الرخامة الحمراء ولدت عليا ساجدا لله فسمعته يقول سبحانك سبحانك ...

امام صادق عليه السلام فرمود: فاطمه بنت اسد گفت: آنگاه که به علی علیه السلام باردار شدم، رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم پس از چهار ماه مرا دید و به من فرمود: ای مادر همانا حملی با توست. گفتم: بله. فرمود: اگر فرزندی پسر بود او را به من ببخش تا به وسیله او پشتم را محکم کنم و او را شریک در کارم گردانم. ابوطالب این سخن پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم را شنید و گفت: ای عزیز من، همانا من غلام

تو و فاطمه بنت اسد کنیز توست. اگر فرزند او پسر یا دختر بود برای توست. آنگاه که مدت حمل تمام شد، دور کعبه سه بار طواف کردم. ناگاه مرا در ولادت فرزند فرا گرفت. در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به سوی من آمد و گفت: چه شد که چهره‌ات را متغیر می بینم؟ گفتم: درد زایمانم گرفت. فرمود: آیا از طواف فارغ شدی؟ گفتم: نه. فرمود: طواف کن اگر پیشامدی رُخ داد که نمی توانی تحمل کنی داخل کعبه شو که همانا محل پوشش الهی است. آنگاه که در دور هفتم بودم و درد بالا گرفت، داخل کعبه شدم و زمانی که در مقابل سنگ قرمز [داخل کعبه] قرار گرفتم علی [علیه السلام] را به دنیا آوردم در حالی که به سجده افتاد و شنیدم که می گفت: سبحانک سبحانک.

ألقاب الرسول وعترته، تالیف: من قدماء المحدثین، ص ۱۷، ناشر: مکتب آیه الله العظمی المرعشی النجفی - قم

چهارم: عتاب بن أسید

رَوِيَ عَنْ عَتَّابِ بْنِ أُسَيْدٍ أَنَّهُ قَالَ: وُلِدَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَكَّةَ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لَثَلَاثَ عَشْرَةَ لَيْلَةً خَلَتْ مِنْ رَجَبٍ.

از عتاب بن اسید روایت شد که گفت: علی بن ابی طالب علیه السلام در مکه، در خانه خدا و در روز جمعه، در سیزدهم ماه رجب، تولد یافت.

الطوسی، الشیخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای ۴۶۰هـ)، مصباح المتہجد، ص ۸۱۹، ناشر:

مؤسسہ فقہ الشیعہ - بیروت - لبنان، چاپ: الأولى، سال چاپ: ۱۴۱۱ - ۱۹۹۱ م.

پنجم: علی بن حسین مسعودی

روی ان فاطمة بنت أسد لما حملت بأمر المؤمنين عليه السّلام كلنت
تطوف بالبيت فجاءها المخاض و هي في الطواف فلما اشتد بها دخلت الكعبة
فولدتها في جوف البيت.

روایت شده که فاطمه بنت اسد در آن موقعی که به امیر المؤمنین علیه السلام حامله بود، طواف کعبه می
کرد که درد زائیدن او را فرا گرفت، همین که درد زائیدنش شدت یافت داخل خانه کعبه شد و علی بن
أبی طالب علیه السلام را در میان خانه کعبه به دنیا آورد.

مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة، ص ۱۳۳، ناشر: انصاریان

دیدگاه عالمان فریقین

در طول تاریخ و در قرون مختلف همواره اندیشه مندان اسد لامی مسأله ولات
امام علی علیه السلام در کعبه را مطرح و در آثارشان به ثبت رسد اندند. در اینجا به

جهت رعایت گزیده گویی، تنها به ذکر نام ده نفر از میان شیعیان و ده نفر از اهل سنت بسنده می شود.

عالمان شیعه

۱. شیخ صدوق رحمه الله (درگذشته به سال ۳۸۱ ق)

ایشان داسدتان ولادت را در کعبه را در سه کتاب از تالیفاتش آورده است. نجاشی، کتاب مولد امیر المؤمنین علیه السلام را از شیخ صدوق گزارش کرده است. (رجال النجاشی - ص ۳۹۲). سید بن طاووس نیز همان را با عنوان «مولد مولانا علی علیه السلام بالبيت» از شیخ صدوق گزارش می کند. (اليقين باختصاص مولانا علی علیه السلام بامرة المؤمنین، ص:

(۱۹۱)

۲. سید رضی رحمه الله (درگذشته به سال ۴۰۶ ق)

ولد علیه السلام بمكة في البيت الحرام ... ولا نعلم مولود ولد في الكعبة

غیره

او علیه السلام در مکه و در داخل کعبه دیده به جهان گشود ... کسی غیر از او را نمی شناسیم که در کعبه به دنیا آمده باشد.

(خصائص الأئمة - الشریف الرضی - ص ۳۹)

۳. شیخ مفید رحمه الله (در گذشته به سال ۴۱۳ ق)

ولد بمكة في البيت الحرام ... ولم يولد قبله ولا بعده مولود في بيت الله

تعالى سواه إكراما من الله تعالى له بذلك وإجلالا لمحلته في التعظيم

در مکه و در داخل کعبه متولد شد ... قبل از او و بعد از او کسی در داخل کعبه به دنیا نیامد این امر به جهت اکرام و بزرگداشت او از سوی خداوند سبحان است.

(الإرشاد - الشيخ المفيد - ج ۱ ص ۵)

۴. شیخ طوسی رحمه الله (در گذشته به سال ۴۶۰ ق)

ولد بمكة في البيت الحرام

در مکه و در داخل کعبه متولد شد.

(تهذيب الأحكام - الشيخ الطوسي - ج ۶ ص ۱۹)

۵. نسابه معروف نجم الدین ابوالحسن مشهور به «ابن صوفی» (در گذشته در

قرن پنجم)

وولدت عليا (عليه السلام) في الكعبة وما ولد قبله أحد فيها

فاطمه بنت اسد عليها السلام علی علیه السلام را در درون کعبه به دنیا آورد. پیش از او کسی در آنجا تولد

نیافت.

(المجدی فی أنساب الطالبین - علی بن محمد العلوی العمری - ص ۱۱)

۶. مرحوم طبرسی (متوفای قرن ششم)

ولد عليه السلام بمكة في بيت الله الحرام ... ولم يولد قبله ولا بعده مولود

في بيت الله تعالى سواه اكراما من الله تعالى

در مکه و در داخل کعبه متولد شد ... قبل از او و بعد از او کسی در داخل کعبه به دنیا نیامد این امر به جهت گرامیداشت او از سوی خداوند متعال است.

(تاج الموالید (المجموعه) - الشيخ الطبرسی - ص ۱۲)

۷. علامه حلی رحمه الله (در گذشته به ۷۲۶ ق)

وُلد بمكة في نفس الكعبة

در مکه و در داخل کعبه متولد شد.

(تحریر الأحكام - العلامة الحلی - ج ۲ ص ۱۲۰)

۸. صاحب حدائق رحمه الله (در گذشته به سال ۱۱۸۶ ق)

ولد بمكة في البيت الحرام ولم يولد فيه أحد قبله ولا بعده وهي فضيلة

خص بها

در مکه و در داخل کعبه متولد شد قبل از او و بعد از او کسی در آنجا به دنیا نیامد و این فضیلتی

ویژه آن حضرت است.

(الحدائق الناضرة - المحقق البحراني - ج ۱۷ ص ۴۳۳)

۹. مرحوم سيد هاشم بحراني رحمه الله (در گذشته در قرن دوازدهم)

ان رواية أن أمير المؤمنين (عليه السلام) ولد في الكعبة بلغت حد التواتر

معلومة في كتب العامة والخاصة

داستان ولادت امام علي عليه السلام در كعبه به حد تواتر رسیده و در كتاب های عامه و خاصه آشکار

است.

(غاية المرام - السيد هاشم البحراني - ج ۱ ص ۵۰)

۱۰. سيد حميرى (در گذشته در قرن دوم)

ولده في حرم الاله أمه * والبيت حيث فناؤه والمسجد

مادر او، وی را در حرم الهی (کعبه) به دنیا آورد.

(روضه الواعظین - الفتال النيسابوری - ص ۸۲)

عالمان اهل سنت

۱. فاکهی (در گذشته در قرن سوم)

ذَكَرُ أَوَائِلِ الْأَشْيَاءِ الَّتِي حَدَّثَتْ بِمَكَّةَ فِي قَدِيمِ الدَّهْرِ إِلَى يَوْمِنَا هَذَا، وَأَوَّلِ مَنْ أَحَدَّثَهَا وَفَعَلَهَا مِنَ النَّاسِ يُقَالُ ... أَوَّلُ مَنْ وُلِدَ فِي الْكَعْبَةِ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ.

گفته شده ... اول کسی که از بنی هاشم از مهاجرین در کعبه به دنیا آمد، علی بن ابی طالب علیه السلام بود.

(أخبار مكة للفاكهي - ج ۳ - ص ۱۹۸).

۲. مسعودی (متوفای ۳۴۶ق)

وكان مولده في الكعبة.

محل تولد او (امام علی علیه السلام) در کعبه بود.

(مروج الذهب ومعادن الجوهر - المسعودی - ج ۲، ص ۳۴۹)

۳. حاکم نیشابوری (در گذشته به سال ۴۰۵ ق)

فقد تواترت الأخبار أن فاطمة بنت أسد ولدت أمير المؤمنين علي بن أبي

طالب كرم الله وجهه في جوف الكعبة.

اخبار به صورت متواتر رسیده است که فاطمه بنت اسد، امیرمومنان علی

بن ابی طالب علیه السلام را در میانه کعبه به دنیا آورده است.

(المستدرک - الحاکم النیسابوری - ج ۳ ص ۴۸۴)

۴. گنجی شافعی (درگذشته به سال ۶۵۸ ق)

«ولد أمير المؤمنين علي بن أبي طالب بمكة في بيت الله الحرام ليلة الجمعة
لثلاث عشرة ليلة خلت من رجب سنة ثلاثين من عام الفيل ولم يولد قبله
ولا بعده مولود في بيت الله الحرام سواه إكراما له بذلك ، وإجلالا لمحلته
في التعظيم.»

امیر مومنان علی بن ابی طالب علیه السلام در شب جمعه سیزدهم رجب
سال سی ام بعد از واقعه عام الفیل در داخل خانه خدا به دنیا آمد. کسی
پیش از آن حضرت و بعد از او، در داخل خانه خدا به دنیا نیامده است و
این از فضائل اختصاصی آن حضرت است که خداوند برای تکریم و
بزرگداشت جایگاهش به او بخشیده است.

الگنجی الشافعی ، أبی عبد الله محمد بن یوسف بن محمد القرشی ، کفایة الطالب فی مناقب علی بن أبی طالب ،
ص ۴۰۷ ، الباب السابع فی مولده علیه السلام ، ناشر : دار أحياء تراث اهل البيت (ع) ، طهران ، الطبعة الثالثة ، ۱۴۰۴ هـ
، ۱۳۶۲ ش .

۵. عبد الملك بن محمد التوزری (در گذشته در قرن ششم)

امه فاطمة بنت أسد بن هاشم بن عبد مناف ولدته فی جوف الكعبة.

مادرش فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبد مناف، او را در دل کعبه به دنیا آورد.

(عبد الملك بن محمد التوزري، المعروف بابن الكردبوس - الاكتفاء في أخبار الخلفاء - ج ١، ص ٤٨٠)

٦. ابن صباغ مالکی (درگذشته به سال ٨٥٥ ق)

وُلِدَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام) بِمَكَّةِ الْمُشْرِفَةِ بِدَاخِلِ الْبَيْتِ الْحَرَامِ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ الثَّلَاثِ عَشَرَ مِنْ شَهْرِ اللَّهِ الْأَصْمِ رَجَبِ الْفَرْدِ سَنَةِ ثَلَاثِينَ مِنْ عَامِ الْفِيلِ قَبْلَ الْهَجْرَةِ بِثَلَاثِ وَعَشْرِينَ سَنَةً ، وَقِيلَ بِخَمْسِ وَعَشْرِينَ ، وَقَبْلَ الْمَبْعَثِ بِاثْنَيْ عَشْرَةَ سَنَةً ، وَقِيلَ بِعَشْرِ سِنِينَ . وَلَمْ يُولَدْ فِي الْبَيْتِ الْحَرَامِ قَبْلَهُ أَحَدٌ سِوَاهُ ، وَهِيَ فَضِيلَةٌ خَصَّهَا اللَّهُ تَعَالَى بِهَا إِجْلَالَ لَهُ وَإِعْلَاءَ لِمَرْتَبَتِهِ وَإِظْهَاراً لِتَكْرَمَتِهِ .

علی علیه السلام در مکه مشرفه، لندرون بیت الله الحرام در روز جمعه، سیزدهم از ماه رجب در سال سیام پس از عام الفیل و بیست و سه سال پیش از هجرت - و گفته شده است: بیست و پنج سال پیش از آن - و دوازده سال پیش از مبعث - و گفته شده است ده سال پیش از

آن - به دنیا آمد و پیش از او، کسی در خلنه خدا به دنیا نیامده بود و این فضیلتی است که خداوند، برای بزرگداشتش و بالا بردن مقامش و آشکار ساختن اکرامش، بدو ویژه گردانده است.

(الفصول المهمة فی معرفة الأئمة - علی بن محمد أحمد المالکی (ابن الصباغ) - ج ۱ ص ۱۷۲)

۷. حلبی (در گذشته در قرن یازدهم)

علی بن برهان الدین حلبی صاحب کتاب مشهور سیره حلبی، پس از سخنی طولانی در باره امیرمومنان علی علیه السلام، به ولادت آن حضرت در داخل خانه کعبه استدلال نموده است:

... لأنه ولد فی الكعبة.

زیرا او در کعبه دیده به جهان گشوده است.

(السیره الحلبیة - الحلبی - ج ۱، ص ۲۲۶).

۸. شاه ولی الله دهلوی (در گذشته در قرن دوازدهم)

وی در این زمینه می نویسد:

«و از مناقب وی رضی الله عنه که در حین ولادت او ظاهر شد یکی آن است که در جوف کعبه معظمه تولد یافت».

(إزالة الخفاء عن خلافة الخلفاء - شاه ولي الله دهلوی - ج ٦، ص ٣٥٩).

٩. شاه عبد العزيز دهلوی (درگذشته به سال ١٢٣٩ ق)

«اتفاقاً روز زیارت زنان، فاطمه بنت اسد با وجود آن که مدت حمل تمام کرده بود، برای زیارت قصد نمود و چون این روز در تمام سال یکبار اتفاق می افتد، با وصف دشواری حرکت، خود را بکمال رنج و مشقت تا در کعبه رسانید ... همین که در کعبه در آمد، طلق بر طلق درد پی درد آمدن گرفت و تولد حضرت امیر علیه السلام واقع شد».

(التحفة الاثنی عشریة - شاه عبدالعزیز دهلوی، ص ١٦٣).

١٠. محمود شکری الألوسی

والصحيح في ذلك أن عادة الجاهلية أن يفتح باب الكعبة في اليوم الخامس عشر من رجب ويدخلون جميعهم للزيارة وكانت العادة أن النساء يدخلن قبل الرجال بيوم أو يومين وقد كلنت فاطمة قريية الوضع فاتفق أن ولدت هناك لما أصابها من شدة المزاحمة والمجازبة.

و درست در این زمینه آن است که از عادات جاهلی، گشودن کعبه در روز پانزدهم از ماه رجب بود و همه برای زیارت وارد آن می شدند و رسم چنین بود که زنان یک یا دو روز پیش از مردان وارد می شدند. این در حالی که نزدیک تولد فرزند فاطمه بود و ولادت فرزندش، بر اثر شدت فشار و ازدحام جمعیت در آن جا رخ داد.

(مختصر التحفة الاثنی عشریة - ج ۱ - ص ۴۴)

المشهور في ولادة الأمير عندنا هو أن أهل الجاهلية كانت عاداتهم أن يفتحوا باب الكعبة في يوم الخامس عشر من رجب ويدخلونها للزيارة، فممن دخل فاطمة، فوافقت الولادة ذلك اليوم.

مشهور در چگونگی ولادت امیرمومنان علیه السلام در نزد ما آن است که مردم جاهلی عادت داشتند که درب خانه خدا را در روز پانزدهم رجت گشوده و برای زیارت، بدان داخل شوند و از کسانی که در خانه وارد شد، فاطمه بود و ولادت آن حضرت در آن روز اتفاق افتاد.

(السيوف المشرقة ومختصر الصواعق المحرقة - ص ۲۰۴)

شبهات

در ادامه به برخی از مهم ترین شبهاتی که در این زمینه گفته شده است، خواهیم پرداخت.

شبهه نخست:

متن شبهه:

ولادت در کعبه ای که بت خانه بوده است، چه فضیلتی دارد؟!

پاسخ:

۱- همین خانه ای که مملو از بت بوده، تا سه سال سه یزدهم بعثت مورد طواف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفته است و از سه سال دوم هجرت که قبله عوض شد، نزدیک چهار تا شش سال، سال مسلمانان به طرف همین بیت الله الحرام که سیصد و شصت بت در آنجا بود، نماز می خواندند!! این در حالی است که شهر مکه در سال هشتم هجری فتح شد؛ بنابراین تا این

سه سال خانه کعبه در دست مشرکان بود و در آن بت های فراوانی وجود داشت. سپس با فتح این شهر توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، بت ها نیز نابود شدند. اما تغییر قبله به سوی کعبه در سال دوم هجری رخ داد و تا هنگام فتح، شش سال فاصله است. اگر تقدسی وجود نداشت، چگونه می توانست یک بت خانه - چنان که شب به افکن گفته است - قبله گاه مسلمانان قرار گیرد؟!

۲- کعبه شرافت ذاتی دارد اگر چه در آن بت نصب شده باشد؛

۳- اگر وجود بت ها قداست ذاتی کعبه را از میان برده بود، پس چرا خداوند متعال، کعبه آکنده از بت را، با اعجاز روشن و فرستادن پرندگان ابابیل، از حمله ابرهه نگاه داشت؟ واقعیتی که به روشنی در سوره فیل بیان شده است.

پیشوای وهابیان: ابن تیمیه حرانی در این زمینه می نویسد:

«وَأَمَّا الْكَعْبَةُ فَإِنَّ اللَّهَ شَرَفَهَا وَعَظَمَهَا وَجَعَلَهَا مُحَرَّمَةً فَلَمْ يُمْكِنَ اللَّهُ أَحَدًا

مِنْ إِهَانَتِهَا لَا قَبْلَ الْإِسْلَامِ وَلَا بَعْدَهُ بَلْ لَمَّا قَصَدَهَا أَهْلُ الْفِيلِ عَاقَبَهُمُ اللَّهُ

العقوبة المشهورة. كما قال تعالى «ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب
الفيل ألم يجعل كيدهم في تضليل وأرسل عليهم طيرا أبابيل ترميهم
بحجارة من سجيل فجعلهم كعصف مأكول».

ابن تيميه، منهاج السنة النبوية، ج ٤، ص ٥٧٦، مؤسسة قرطبة، ١٤٠٦.

اما كعبه را خداوند، شرافت و بزرگی داده و بی حرمتی بدان را جایز
ندانسته است؛ از همین رو، پیش و پس از اسلام، هیچ کسی
توانایی بی احترامی به آن را پیدا نکرده است، بلکه هنگامی که
اصحاب فیل به سویس یورش بردند، خداوند آنان را به مجازاتی که
مشهور است، گرفتار ساخت. چنان که فرموده است: «مگر ندیدی
پروردگارت با پیلداران چه کرد؟ آیا نیرنگشان را بر باد داد؟ و بر
هلاک آن ها مرغانی گروه گروه فرستاد که بر آنان سنگهایی از گل
[سخت] می افکندند و تنشان را چون علفی زیر دندان حیوان خرد
گردانید».

۴- علاوه بر آنکه عالم بزرگ اهل سنت: شمس الدین ذهبی، که به گمانش

حکیم بن حزام در کعبه به دنیا آمده است، آن را فضیلتی برای حکیم می

داند. وی پس از بیان این پندار می نویسد:

وله منقبة وهو أنه ولد في جوف الكعبة.

و برای او منقبی است و آن این که در دل کعبه به دنیا آمده است.

شمس الدین ذهبی، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، ج ۴، ص ۱۹۸، دار الکتب العربی، لبنان/

بیروت، ۱۴۰۷ق - ۱۹۸۷م.

۵- عبارت «فَعَلِمْنَا أَنَّ ذَلِكَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ لِلَّهِ تَعَالَى» که در روایات پیش گفته

آمده است، نشان از الهی بودن این موضوع دارد. بنابراین شبهه ای که می

گوید: ولادت در خانه کعبه که بت خانه بود، فضیلتی ندارد، با این جمله

جواب داده می شود.

ضمناً آنکه کعبه خانه خداست و در نگاه قرآن قداست خاصی دارد و

خداوند دوباره کعبه می فرماید: «بیتی»: «خانه من» پس ولادت در خانه

خداوند، به دلیل انتسابش به خداوند متعال، دارای فضیلت و شرافت فراوانی است.

شبهه دوم:

متن شبهه:

این ادعا که حضرت امیر علیه السلام در کعبه دیده به جهان گشوده است، برتری او بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را در پی خواهد داشت!

پاسخ:

۱- اگر کسی بخواهد بر این پایه داوری نموده و چنین مسأله ای را دلیل بر برتری بشمارد، با دسته فراوانی از رخدادهای این چنینی رو به رو خواهد شد که به ناچار، بر اساس این داوری نادرست، بایستی دلیل بر برتری باشد. برای نمونه حضرت عیسی علیه السلام بدون پدر به دنیا آمده است و این فضیلتی برای آن حضرت است. حال چون پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دارای پدر بوده است، می توان گفت که از حضرت عیسی علیه السلام پایین

تر است؟ آیا می توان چنین به داوری نشست؟! نیز حضرت آدم علیه السلام بدون داشتن پدر و مادر به دنیا آمده است در حالی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله از پدر و مادر به دنیا آمده است، آیا این مطلب دلیل بر این است که حضرت آدم از پیامبر لسلام صلی الله علیه و آله بالاتر است؟ نیز حضرت علی علیه السلام همسری همانند زهرای مرضیه علیها السلام دارد، که بر اساس نصوص متعدد شیعه و اهل سنت، بضعه و پاره تن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است، این در حالی که هیچ یک از همسران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دارای این مقام نبوده اند، بنابراین آیا می توان آن را دلیل بر برتری قرار داد؟! در کتاب «شرف المصطفی» که نوشته یکی از علمای بزرگ اهل سنت است، روایتی را می آورد که نشان می دهد خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین فرموده است:

«قال لعلي بن أبي طالب رضي الله عنه: أوتيت ثلاثا لم يؤتتهن أحد ولا أنا: أوتيت صهرا مثلي ولم أوت أنا مثلي، وأوتيت صديقه مثل ابنتي ولم أوت مثلها زوجة، وأوتيت الحسن والحسين من صلبك ولم أوت من صلبی مثلهما، ولكنكم مني وأنا منكم».

آن حضرت به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: سه چیز به تو داده شده است که به هیچ کسی حتی به من داده نشده است: پدر خانمی همچون من به تو عطا شده است در حالی که همانندش به من داده نشده است و صدیقه ای همچون دخترم به تو داده شده است که همانندش به من داده نشده است و حسن و حسین از صلب تو هستند اما از صلب من چنین دو نفری به دنیا نیامده اند و لکن شما از من هستید و من از شما میم.

عبدالملک بن ابی عثمان الخرکوشی، شرف المصطفی صلی الله علیه و آله، ج ۵، ص ۳۰۶.

حال پرسش این است که آیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، خود به برتری امیرمومنان علی علیه السلام بر خودش تصریح نموده است؟ یا این که اساساً چنین نوعی از داوری نادرست است و معیار این داوری غلط است؟

شبهه سوم

متن شبهه:

حکیم بن حزام نیز در خانه کعبه متولد شده است، پس این فضیلت، فضیلتی

منحصر به فرد نیست!

پاسخ:

بر اساس باور شیعه و نیز برخی از علمای اهل سنت؛ همانند ابن صباغ مالکی و گنجی شافعی، احدی غیر از امیر مؤمنان علیه السلام در داخل خانه کعبه به دنیا نیامده است و این فضیلت بزرگ از امتیازات ویژه آن حضرت است. اما متأسفانه تحریف گران-تاریخ و دشمنان امیر مؤمنان علیه السلام این ویژگی را نیز هملند دیگر فضائل آن حضرت یا از اساس منکر شده و یا کسان دیگری را در آن شریک و سهیم کرده‌اند.

شاید بتوان ادعا کرد که کمتر فضیلتی از فضائل اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم است که از دستبرد این تحریف گران به دور مانده باشد و آن‌ها به نحوی آن را زیر سؤال نبرده باشند. یکی از این موارد ولادت آن حضرت در خانه کعبه است که ادعا شده است غیر از امیر مؤمنان علیه السلام، حکیم بن حزام نیز در خانه کعبه متولد شده است!

نخستین کسی که این مطلب را نقل کرده، زبیر بن بکار - در گذشته به سال ۲۵۶ ق - است و پیش از او در هیچ کتابی از کتاب‌های اهل سنت نقل نشده و بعد از او نیز هر کس نقل کرده، از زبیر بن بکار گرفته است.

وی در «جمهره نسب قریش» می‌نویسد:

حدثنا الزبير قال وحدثني مصعب بن عثمان قال : دخلت أم حكيم ابن حزام الكعبة مع نسوة من قریش ، وهي حامل بحكيم بن حزام ، فضربها المخاض في الكعبة ، فأتيت بنطح حيث أعجلها الولاد ، فولدت حكيم بن حزام في الكعبة على النطح .

مادر حکیم بن حزام به همراه زنانی از قریش وارد کعبه شدند، در حالی که حکیم بن حزام را باردار بود و در همان جا، درد ولادت او را فرا گرفت و از آن جا که ولادت به سرعت رخ داد، پوستی آوردند و حکیم بن حزام در کعبه بر آن پوست به دنیا آمد.

الزبير بن بكار بن عبد الله (متوفای ۲۵۶هـ) جمهره نسب قریش وأخبارها ، ج ۱ ، ص ۷۷.

همان گونه که از سند روشن است، زبیر بن بکار این روایت را از مصعب بن عثمان نقل می‌کند. به بیان دیگر، آخرین کسی که در سند، راوی این واقعه است، مصعب بن عثمان است که مبتلا به چند اشکال است:

نخست: این که از دیدگاه رجالی روشن نیست مصعب بن عثمان چه وضعیتی دارد و هیچ کس در شیوخ زبیر بن بکار، به چنین نامی اشاره نکرده است. نیز در معاجم رجالی و تراجم اهل سنت نیز، به چنین فردی اشاره نشده است. البته از شخصی با نام «مصعب بن عثمان بن مصعب بن عروه بن الزبیر بن العوام» در منابع نام برده شده است که وی نیز از دیدگاه رجالی مجهول است و هیچ شرح حالی برایش گفته نشده است. تنها خود زبیر بن بکار در شرح حالش گفته است:

«کان عالماً بأخبار قریش، وولی السعایة لأبی بکر بن عبد الله.»

وی از اخبار قریش آگاه و مسؤل جمع آوری زکات برای ابوبکر بن عبدالله بوده است.

الزبیر بن بکار بن عبد الله (متوفای ۲۵۶هـ) جمهره نسب قریش و أخبارها، ج ۱، ص ۷۷.

بنابراین بر اساس خبر چنین شخصی، نمی توان چنین مساله ای را پذیرفت. دوم: در هیچ یک از منابع تاریخی، رجالی، تراجم و ... تا پیش از نقل زبیر بن بکار از مصعب بن عثمان، هیچ اثری از تولد حکیم در کعبه دیده نمی شود و حتی اشاره ای نیز بدان نشده است. به بیان دیگر، در طول تاریخ، هیچ کسی

متوجه رخدادی به این مهمی نشده است و نخستین بار، پس از گذشت نزدیک به دو سده است سال، این ماجرا توسط زبیر بن بکار از زبان مصعب بن عثمان نقل شده است. بنابراین این گزارش به صورت فاحش و آشکاری مرسل است و از این جهت کاملاً از اعتبار ساقط می‌گردد. توضیح بیشتر در ضمن چند مقدمه ارائه می‌گردد:

الف: بر اساس تصریح مورخین و علمای اهل سنت، حکیم بن حزام در سال سیصد و شصت پیش از سال عام الفیل به دنیا آمده است (رک به: ابن حجر عسقلانی، الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۲، ص ۱۱۲، دار الجیل، بیروت) و از آن جا که عام الفیل، پنجاه و سه سال پیش از هجرت بوده است، نتیجه گرفته می‌شود که وی شصت و شش سال پیش از هجرت به دنیا آمده است؛

ب: اگرچه هنگامه ولادت و وفات مصعب بن عثمان روشن نیست، اما از آن جا که راوی این جریان از او، زبیر بن بکار است و وی در سال ۲۵۶ ق در سن ۸۴ سالگی از دنیا رفته است (رک به: ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۲۹۶، دار الفکر، بیروت)، روشن می‌گردد که وی در سال ۱۹۲ ق به دنیا آمده است و با توجه به

این‌که او مسد تقیما از مصعب بن عثمان نقل می‌نماید، اگر در همان عنفوان جوانی یعنی بیست سالگی نیز این خبر را از مصعب بن عثمان شنیده باشد، یعنی این رخداد در سال ۲۰۲ ق اتفاق افتاده است و به روشنی نشان می‌دهد که مصعب از مردمان سده دوم یعنی سال ۱۰۰ ق و پس از آن است و در این صورت، حداقل میان او و رخداد ولادت حکیم بن حزام، حداقل بیش از یک قرن و نیم فاصله است! و چگونه شده است که در تمام این دوران، هیچ کسی متوجه این رخداد نشده است و پس از یک قرن و نیم، تنها مصعب بن عثمان بدان پی برده و آن را گزارش کرده است، بی آن که آن را از کسی نقل نماید یا سلسله‌سندی ارائه دهد و چگونه ممکن است که مصعب، شاهد چنین جریان‌هایی در حداقل یک قرن و نیم پیش از ولادت خودش باشد و آن را بدون واسطه نقل کند؟! بنابراین، از دیدگاه قواعد رجالی و حدیثی، این گزارش کاملاً نامعتبر و مخدوش است.

سوم: چنان که گذشت، مصعب بن عثمان از فرزندان زبیر و نسل عروه بن زبیر است و نویسنده کتاب: زبیر بن بکر نیز از همین نسل است و رجالیون اهل

سنت، بر آن تصریح کرده اند. برای نمونه، ابن حجر عسقلانی، نسب او را چنین برشمرده است: «الزبیر بن بکار بن عبد الله بن مصعب بن ثابت بن عبد الله بن الزبیر بن العوام» (رکبه: ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۲۹۶، دار الفکر، بیروت). نیز با بررسی کتاب زبیر بن بکار که بخش قابل توجه آن را به فرزندان و نسل زبیر اختصاص داده و در میان همه نسب های قریش، کتابش را با این تیره شروع کرده است! و نیز از مدح فراوانش از این خاندان، ارادت بسیارش به اجدادش و زبیریان روشن می گردد. از سوی دیگر، دشمنی دیرین فرزندان زبیر با امیرمومنان علی بن ابی طالب علیهما السلام بر هیچ پژوهشگر منصفی پوشیده نیست؛ بنابراین کاملاً زمینه و انگیزه برای جعل این داستان توسط مصعب بن عثمان زبیری و نقل آن توسط زبیر بن بکار زبیری، وجود دارد تا بدین صورت، فضیلتی بزرگ از فضل ائمه امام علی علیه السلام را از انحصار آن حضرت در آورند. به ویژه که تا پیش از این دو، هیچ یک از نسب شناسان بزرگ عرب و صاحبان کتب و حتی معاصران حکیم بن حزام، به چنین مسأله ای پی نبرده است! این مطلب آن گاه روشن تر می گردد که بدانید «حکیم بن حزام» و جد زبیریان: «زبیر بن عوام» دو

پسر عمو هستند. نسب زبیر بنا بر تصریح ابن حجر عسقلانی چنین است: «الزبیر بن العوام بن خویلد بن أسد بن عبد العزی» (ر ک به : ابن حجر عسقلانی، تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۱۴، دار الرشید، سوریا) و نسب حکیم بن حزام نیز بدین شرح است: «حکیم بن حزام بن خویلد بن أسد بن عبد العزی» (ر ک به : ابن حجر عسقلانی، الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۲، ص ۱۱۲، دار الجیل، بیروت) بنابراین زبیریان با این جعل تاریخی، نخست فضیلتی از فضائل دشمنان: امام علی علیه السلام را از انحصارش در آورده اند و از سوی دیگر، این فضیلت را در یکی از عموزادگان خویش قرار داده اند و آل زبیر را در آن شریک ساخته اند.